

وضعیت‌شناسی نظریه تحول خانواده، گامی به سوی تحول خداسوی خانواده

شهرزاد اسفندیاری^۱

مسعود جان بزرگی^۲

چکیده

یکی از پایه‌های مفهومی در مطالعات خانواده، نظریه تحول خانواده است. مسئله اصلی این پژوهش، بررسی نظریه تحول خانواده و ارائه دسته‌بندی از دیدگاه‌های گوناگون، ارزیابی رویکردهای موجود و سرانجام، حرکت به سمت تحول خداسوی خانواده است. روش پژوهش، فراترکیب و رویکرد آن، تحلیل انتقادی بوده و گردآوری داده‌ها با استفاده از جستجوی کلیدواژه‌ای در پایگاه‌های داخلی و خارجی صورت گرفته است. براین اساس، پس از بررسی ۵۸۵ مقاله، ۶۶ مقاله وارد فرایند پژوهش شدند. بر طبق یافته‌های پژوهش، نظریه تحول خانواده را می‌توان به دو رویکرد کلاسیک و دینامیک در دو برهه زمانی چهار ساله تقسیم نمود. در ذیل رویکرد کلاسیک، هفت مرحله دووال و چرخه زندگی مک‌کلدریک و در ذیل رویکرد دینامیک نظریه گذار، مدل سیستماتیک و نظریه چندبعدی، مطالعه و مقایسه شدند. پس از آن، در نتیجه، با بررسی انتقادی اختصاصی رویکرد کلاسیک در سطح روبنایی، هفت انتقاد، شامل شبهه جهان‌شمولی، تمرکز بر تک‌نسل، کم‌توجهی به تنوع ساختاری، پراکندگی و ناهمگرایی، سردرگمی در سطوح تحلیل، مشکلات روش‌شناختی و تصور وجود رابطه علی بین انجام تکالیف و گذر از مراحل مطرح می‌شود. همچنین بررسی انتقادی اختصاصی رویکرد دینامیک در سطح روبنایی، شامل چهار انتقاد کارکردزایی، ساختارزایی، جنسیت‌زدایی و ارزش‌زدایی شده است. پس از آن با بیان انتقادات اشتراکی نظریه تحول خانواده در سطح زیربنایی در چهار حوزه معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی، هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی، لایه‌های زیرین نظریه تحول خانواده به چالش کشیده می‌شود. درنهایت، با استفاده از تعریف خانواده و مؤلفه‌های تحولی آن در دیدگاه چندبعدی معنوی، گامی در جهت حرکت به سوی تحول خداسوی خانواده برداشته شد.

واژگان کلیدی: نظریه تحول خانواده، چرخه زندگی، نظریه گذار، خانواده خداسو، مدل سیستمی تحول خانواده، مدل چند بعدی تحول خانواده.

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران (نویسنده مسئول): shesfandiari@rihu.ac.ir.

۲. استاد تمام پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران: mjanbozorgi@rihu.ac.ir.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۱۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷.

۱. مقدمه

یکی از پایه‌های مفهومی در مطالعات خانواده، نظریه تحول خانواده^۱ است. این نظریه به دلیل تأکید بر تکامل خانواده‌ها در طول زمان، وظایف تحولی و استرس خانواده در دوره‌های بحرانی تحول (دووال،^۲ ۱۹۸۸)، یک رویکرد منحصر به فرد برای مطالعه خانواده‌ها ارائه داده و به درک متخصصان و توانایی آنها در کارکرد مؤثر با خانواده‌ها کمک کرده است (لاسلفی،^۳ ۲۰۰۲). باوجود این، در منابع فارسی، دسته‌بندی مناسبی برای دستیابی به درک عمیق از این نظریه وجود ندارد. این پژوهش باهدف بررسی نظریه تحول خانواده، ارائه دسته‌بندی از دیدگاه‌های گوناگون مطرح شده، نقد و ارزیابی رویکردهای موجود و پیشنهادی مقدماتی در راستای حرکت در مسیر تحول خداسوی خانواده انجام شده است.

۲. پیشینه پژوهش

نظریه تحول خانواده، از تلاش برای ادغام جریان‌های مختلف تحقیقاتی در اواسط قرن بیستم و در بحبوحه یک دوره اجتماعی-تاریخی که برای خانواده هسته‌ای ارزش زیادی قائل بود، ظهور کرد (متسیچ و هیل،^۴ ۱۹۸۲، ص ۴۳۷). متفکران اجتماعی، خانواده هسته‌ای را پیشرفت طبیعی مدرن‌سازی می‌دانستند (زیمرن،^۵ ۲۰۱۴) و تحقیقات، بیشتر بر اساس ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی سنتی هدایت می‌شد تا علم پوزیتیویستی (مارتین و وایت،^۶ ۲۰۲۲، ص ۱۸۰).

والر^۷ (۱۹۳۸) برای اولین بار «زندگی خانوادگی» را با تمرکز بر طبقه متوسط آمریکایی به شکلی محدود توصیف کرد. در پرداختن به مفهوم تحول، والر از تاریخ طبیعی علوم زیستی صحبت، و به چهار مرحله اشاره می‌نماید که خانواده از آن عبور می‌کند. تأکید بیولوژیکی بر تحول خانواده، در دهه ۱۹۴۰ ادامه یافت، تا آنجا که مفهوم «خانواده» را صرف نظر از جنبه‌های انسانی آن و صرفاً از منظر بیولوژیکی مورد توجه قرار دادند (هالوول و رینولدز،^۸ ۱۹۴۲، ص ۲۵). پس از آن، نظریه تحول، تغییر

1. Family Development Theory (FDT)
2. Duvall, E.M.
3. Laszloffy, T. A.
4. Mattessich, P., & Hill, R.
5. Zimmerman, C.C.
6. Martin, T. F., & White, J. M.
7. Waller, W.
8. Hallowell, A., & Reynolds, E.

به سمت مفهوم پرورش^۱ به جای طبیعت^۲ را آغاز کرد. هیل با بیان اینکه «در حال گذار از یک شکل مقدس نسبتاً مشخص به شکل سکولارتر دیگری هستیم» بر تأثیر اجتماعی تأکید کرد (بکر و هیل،^۳ ۱۹۴۲، ص ۷۸۴). سپس هفت مرحله چرخه خانواده پل گلیک^۴ (۱۹۴۷) در ضمن انتشار اولین تحلیل شاخص‌های سرشماری، و بعد از آن در سال ۱۹۴۸، مراحل توسط اوایلین دووال (تحول‌گرایی انسانی) و روبن هیل (جامعه‌شناس) سازماندهی شد. پس از آن، وظایف تحول خانواده که از نظریه پردازان تحولی‌نگر انسانی مانند پیازه و اریکسون اقتباس شده بود معرفی گردید (دووال، ۱۹۸۸).

علی‌رغم تمام انتقاداتی که در طول سال‌ها به مراحل دووال وارد شده است، تحول خانواده در ذهن بسیاری از افراد، همچنان این فهرست توصیفی، ابتدایی باقی مانده است. باین حال، برخی از نظریه‌پردازان خانواده، به درک تحلیلی عمیق‌تری از تغییر ویژگی‌های خانواده در حین حرکت در این مراحل دست یافته‌اند (راجرز و وایت،^۵ ۱۹۹۳). محققان باتوجه به پتانسیلی که نظریه تحول خانواده برای درک طولی روابط و فرایندهای بین چندین سطح از خانواده به شکل فردی، زوجی، گروهی و اجتماعی دارد، تحلیلی سیستماتیک و متفاوت ارائه نموده‌اند. راجرز (۱۹۷۳)، به منظور پیشبرد نظریه و ایجاد گزاره‌های واضح قابل آزمایش، مفاهیم کلیدی تحول خانواده را در چهارچوب زبان‌های سیستمی بازتعریف کرد و استفاده از آزمایش را برای محققان آسان‌تر نمود.

در دهه ۱۹۷۰، تغییرات اجتماعی، به شیوه‌های سریع و چشمگیری بر خانواده طبقه متوسط تأثیر می‌گذاشت. تشابه‌های زیست‌شناختی به‌کاررفته در مورد نحوه عملکرد خانواده، ناقص بود (بور،^۶ ۱۹۷۳، ص ۲۱۸). در سال ۱۹۷۷، انتقادات بسیاری که در آن زمان نسبت به نظریه تحول خانواده صورت گرفت، محیط را برای تغییرات چشمگیر فراهم آورد (مارتین و وایت، ۲۰۲۲، ص ۱۸۳). متسیچ و هیل^۷ مقاله‌ای در دفاع از آن ارائه کردند. وایت نیز در مقاله خود یک رویکرد ریاضیاتی پیشنهاد نمود. مفاهیم اولیه نظریه تحول خانواده به تدریج تکامل یافت، اما پس از سال ۱۹۷۷ این تغییرات شدت گرفت. تعریف مجدد از واژه‌های خانواده و تحول، پیشرفت‌های روش‌شناختی

1. Nurture
2. Nature
3. Becker, H.P., & Hill, R.
4. Glick, P. C.
5. Rodgers, R. H., & White, J. M.
6. Burr, W. R.
7. Mattessich, P., & Hill, R.

مانند تحلیل تاریخ رویداد^۱ و ادغام نظری سطوح تحلیل در بخش گزاره‌ای نظریه، همگی در راستای این تغییرات انقلابی صورت گرفتند. علاوه بر این، مفهوم و اهمیت مراحل خانواده با تمرکز بر انتقال^۲ بین حالت‌های ساختاری خانواده تحت الشعاع قرار گرفت. در دهه ۱۹۸۰، هر دو هیل^۳ (۱۹۸۶) و آهرونز و راجرز^۴ (۱۹۸۷)، نظریه تحول خانواده را به ترتیب برای خانواده‌های تک‌والدی و مطلقه اعمال کردند. هیل، دووال، و نسلی از متفکران خانواده که از آنها پیروی کرده‌اند، تلاش نموده‌اند در مسیر تکامل نظریه قدم بردارند. اما گفتنی است نظریه ابتدایی، با انتقادات گسترده‌ای مواجه شده است. اگرچه وایت^۵ (۲۰۱۳) آن را هنوز به عنوان یک نظریه پرکاربرد توصیف کرده است، اما داده‌ها خلاف این را نشان می‌دهد (مارتین، ۲۰۱۸).

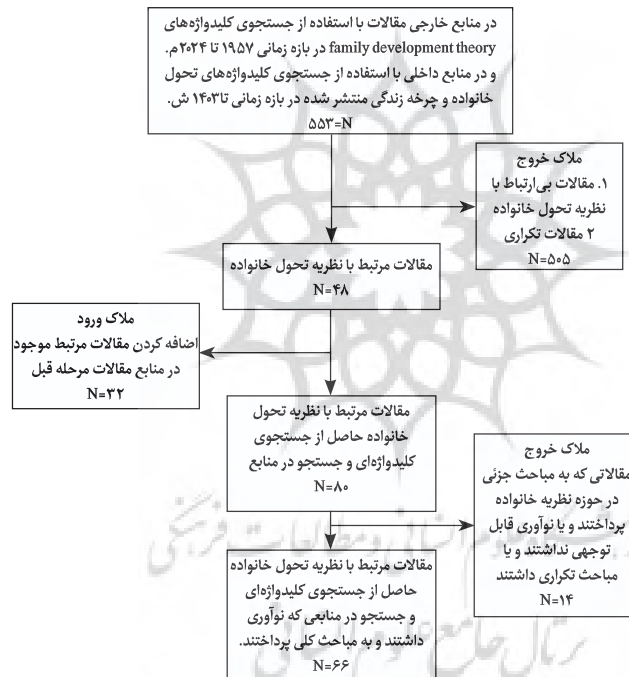
به طور خلاصه می‌توان گفت برخی از پژوهشگران، نگاهی استاتیک به فرایند حرکت و سیر خانواده در گذر از مراحل داشتند (دووال و هیل، ۱۹۴۸)؛ اما در دهه‌های اخیر، نظریه تحول خانواده به سمت یک نظریه تحلیلی و چندسطحی حرکت کرده و استعاره بنیان‌گذار نظریه تحول خانواده از تحول کودک به عنوان یک پیشرفت در مراحل ثابت (مثلاً پیاژه) که در واحد خانواده اعمال می‌شود تا حد زیادی رد شده است (مارتین و وایت، ۲۰۲۲، ص ۱۷۹).

اگرچه تاریخچه نظریه تحول خانواده در منابع خارجی به خوبی مستند شده (مارتین، ۲۰۱۸؛ متسیچ و هیل^۷، ۱۹۸۷ و راجرز و وایت، ۱۹۹۳) و همچنین در مقاله مارتین و وایت (۲۰۲۲)، مفاهیم کلیدی خانواده و انقلابی که اخیراً در نظریه تحول خانواده صورت گرفته، تشریح گردیده است، اما دسته‌بندی مناسبی که بتوان در ذیل آن به درک و فهم مناسبی از نظریه تحول خانواده دست یافت در بین منابع موجود مشاهده نشده است؛ به‌ویژه در زبان فارسی، هیچ مطالعه‌ای در این زمینه صورت نگرفته است. لذا هدف این پژوهش، بررسی نظریه تحول خانواده در منابع موجود و ارائه دسته‌بندی از دیدگاه‌های گوناگون و متفاوت مطرح‌شده در ذیل این نظریه، نقد و ارزیابی رویکردهای موجود و سرانجام، گامی مقدماتی در راستای حرکت به سمت تحول خداسوی خانواده است.

1. Event history analysis
2. Transitions
3. Hill, R.
4. Ahrons, C. R., & Rodgers, R. H.
5. White, J. M.
6. Martin, T. F.
7. Mattessich, P., & Hill, R.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر، مطالعه نظام‌مند مروری^۱ از نوع «فراترکیب» یا «متاسنتز»^۲ و با رویکرد «تحلیل انتقادی» انجام شده است. در این روش، محقق برای تولید شناخت یا درک جدید از پژوهش‌های پیشین، ضمن تحلیل مطالعات کیفی گذشته، آنها را به شکل یک چهارچوب جدید با هم ترکیب می‌نماید (سوارس^۳ و همکاران، ۲۰۱۴) و در انتها به نقد و ارزیابی آنها می‌پردازد. در این پژوهش، باهدف جمع‌آوری داده‌ها، ابتدا با جستجوی کلیدواژه «Family development theory» در پایگاه‌های داده خارجی ProQuest، PubMed، Google Scholar و Wiley و همچنین کلیدواژه‌های «تحول خانواده» و «چرخه زندگی» در پایگاه‌های داخلی نورمگز و پرتال جامع علوم انسانی، تعداد ۵۵۳ مقاله به دست آمد. پس از چند مرحله غربال داده‌ها، تعداد ۶۶ مقاله برای بررسی دقیق و دسته‌بندی نظریات تحول خانواده وارد فرایند مطالعه شدند.



تصویر ۱. فرایند انتخاب مقالات پژوهش

1. Systematic review
2. Meta synthesis method
3. Soares, C. B.

درنهایت، پس از گردآوری داده‌های موردنیاز، مطالعه مقالات، دسته‌بندی و ارائه مهم‌ترین نظریات مطرح شده در حوزه تحول خانواده، به ارزشیابی نظریات پرداخته شد و انتقادات زیربنایی و روبنایی مرتبط با هر دسته مطرح گردید.

۴. یافته‌های پژوهش

به اذعان برخی متفکران، نظریه تحول خانواده را می‌توان به دو برهه زمانی (مارتین و وایت، ۲۰۲۲، ص ۱۸۰-۱۸۲)، شامل برهه ابتدایی از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۸۸ و برهه دوم از ۱۹۸۸ تا کنون تقسیم نمود. در چهل سال اول، رویکردهای کلاسیک با محوریت مراحل جهان شمول، پیش‌تاز نظریات تحول بودند و پس از آن، انقلابی مفهومی رخ داد و نگاه‌ها را چند دسته کرد. چهل سال دوم را می‌توان ذیل عنوان رویکردهای داینامیک معرفی کرد. در ادامه، رویکردهای مذکور با جزئیات بیشتری شرح داده می‌شود.

۴-۱. رویکردهای کلاسیک

شروع مباحث جنجالی نظریه تحول خانواده را می‌توان به اجلاس ملی خانواده در سال ۱۹۴۸ در آمریکا و با محوریت خانواده هسته‌ای و بررسی وظایف تحولی والدین و فرزندان و چالش‌های مرتبط با آن دانست (دووال، ۱۹۸۸). پس از آن، دیدگاه تحول خانواده، مفاهیم اصلی خود را از نگاه‌های متعدد دیگری وام گرفت و ترکیب کرد. در این میان می‌توان پنج دسته پارادایم را که در تبارشناسی^۱ نظریه تحول خانواده ذکر شده‌اند، به این شکل مطرح کرد: دسته‌بندی چرخه زندگی،^۲ نظریه‌های سیستم اجتماعی،^۳ نظریه‌های تحول انسانی،^۴ نظریه طول عمر و دوره زندگی^۵ و نظریه رویدادهای زندگی و بحران زندگی^۶ (متسیج و هیل، ۱۹۸۷، ص ۴۳۷).

در ادامه باید گفت ارزش‌نهایی یک چهارچوب مؤثر، در کاربرد آن برای تجزیه و تحلیل خانواده‌های واقعی نهفته است. چنین تحلیلی می‌تواند در یکی از دو سطح رخ دهد: در سطح یک خانواده انفرادی^۷ و در سطح کلی^۸. در تجزیه و تحلیل یک خانواده خاص، محقق علاقه‌مند

1. Genealogy
2. Life cycle categories
3. Social system theories
4. Human development theories
5. Life span and life course theory
6. Life event and life crisis theory
7. Individual family level
8. An aggregate level

به تعیین تاریخچه تغییرات تجربه خانواده (نوع، توالی، اثرات و...) است. در سطح کلی، به منظور فهم اشتراکات تحولی در همه خانواده‌ها، محققان، مرزبندی مراحل خانوادگی را مفید یافته‌اند. چنین مرحله‌ای نشان‌دهنده یک الگوی مودال تحول است که خانواده‌ها آن را تجربه می‌کنند. مرزبندی مراحل، تغییرات را به صورت خلاصه یا ترکیبی توصیف و رابطه بین آنها و سایر پدیده‌ها را مورد تحلیل قرار می‌دهد. مدل‌های متفاوتی برای معرفی مراحل، به ویژه در نیمه دوم قرن بیستم پدید آمدند که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌گردد:

۴-۱-۱. هفت مرحله دووال و هیل

کار دووال و هیل به عنوان آمیزه‌ای از رویکرد چرخه زندگی و رویکرد تحول انسانی، مفاهیم اولیه نظریه تحول را تشکیل داد. آنها مراحل خود را ناشی از سه معیار دانستند: تغییرات در اندازه خانواده، در ترکیب سنی، و در وضعیت شغلی نان‌آور. هفت مرحله عبارت‌اند از: الف) زوج‌های تازه ازدواج کرده (بدون فرزند)؛ ب) خانواده‌های فرزندآور (نوزادان و کودکان پیش‌دبستانی)؛ ج) خانواده‌های دارای فرزند مدرسه‌ای؛ د) خانواده‌های دارای فرزند دبیرستانی؛ ه) خانواده‌های دارای بزرگسالان جوان؛ و) خانواده‌های میانسالی؛ ز) خانواده‌های سالخورده (والدین در حال بازنشستگی). دووال معتقد است در هر مرحله از چرخه زندگی، افراد با وظایف تحولی خاصی درگیر هستند که از بلوغ فیزیکی، انگیزه شخصی و انتظارات اجتماعی ناشی می‌شوند (دووال، ۱۹۸۸). وظایفی که برای تداوم بر عهده خانواده است، شامل: ارائه مراقبت فیزیکی، تخصیص منابع، تعیین اینکه چه کسی چه کاری انجام می‌دهد، تضمین اجتماعی شدن اعضا، ایجاد الگوهای تعامل، الحاق و آزاد کردن اعضا، ارتباط با جامعه از طریق نهادهای آن و حفظ روحیه و انگیزه اعضای خانواده (همان).

همچنین بحران‌های خانوادگی (مانند بیکاری، بیماری‌های شدید، مرگ، طلاق و ازدواج مجدد) خانواده را از کارکرد معمول خود خارج می‌کند. در این مواقع، نیاز به تمرکز و توجه خانواده بر وظایف جدید تحولی است تا زمانی که نقش‌های مناسب برای وضعیت جدید اتخاذ شود (همان). از سوی دیگر می‌توان گفت فرهنگ، هنجارهایی را برای وظایف تحولی خانواده تعیین می‌کند. علی‌رغم تمام تفاوت‌های بین خانواده‌ها در سراسر جهان و در طول زمان، تحول خانواده برای همه انسان‌ها مشترک است. همه خانواده‌ها در همه جا تشکیل می‌شوند، متحول می‌گردند و در نهایت منحل می‌شوند (همان). اگرچه محققان دیگری مراحل متفاوتی باهدف توصیف و

تحلیل چرخه زندگی خانوادگی را مطرح کردند (۲۴ مرحله‌ای هیل و راجرز (۱۹۶۴) و دوازده مرحله‌ای هان (۱۹۸۷))، اما اغلب پژوهش‌ها، از چرخه زندگی هفت مرحله‌ای دووال استفاده می‌کنند (آلدوس،^۱ ۱۹۷۸).

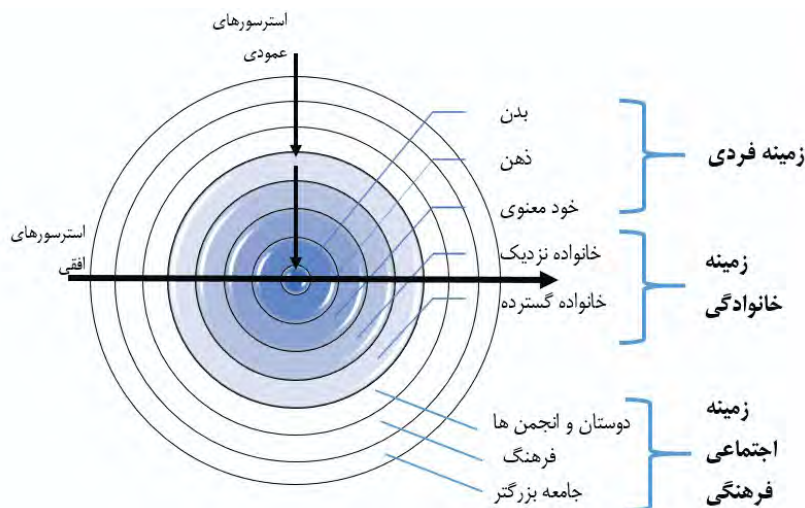
۲-۱-۴. چرخه زندگی کارتر و مک‌گلدریک

اگرچه آخرین نسخه مراحل چرخه زندگی کارتر و مک‌گلدریک^۲ مربوط به سال ۲۰۱۴ است، اما به دلیل طبیعت مرحله‌ای و نزدیک بودن ادبیات آن به نظریات کلاسیک، می‌توان آن را ذیل این رویکرد دسته‌بندی نمود. آنها با استفاده از دیدگاه‌های چندزمینه‌ای،^۳ مفاهیم نظریه تحول خانواده را عملیاتی کردند و در خانواده‌درمانگری، استفاده بسیاری از موضوعات مربوط به وظایف و بحران‌های مربوط به مراحل ترتیب دادند. در رویکرد چندزمینه‌ای، زمینه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی- فرهنگی، مورد توجه هستند و انتقال‌ها در مراحل چرخه زندگی خانوادگی، به عنوان یکی از استرسورهای افقی مورد بررسی قرار می‌گیرد (مک‌گلدریک و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۸).

مک‌گلدریک جدولی از مراحل هفت‌گانه را که شباهت بسیاری به مراحل دووال دارد، به عنوان نقشه‌ای برای در نظر گرفتن ماهیت دگرگونی مراحل مختلف زندگی ارائه می‌دهد و فرایندهای هیجانی مربوط به انتقال‌ها در هر مرحله و تغییرات مرتبه دوم در وضعیت خانواده را با جزئیات کاربردی بیشتر نسبت به دووال توضیح می‌دهد (همان، ص ۲۱-۲۲). اما تأکید دارد که مطابق با تفکر سیستمی، نقشه قلمرو نیست و تنها تقریبی صرف از فرایندهای پیچیده است، نه تأییدی بر وجود الزامی این مراحل در تمام خانواده‌ها (همان، ص ۲۰). تعریف مراحل در زمینه‌های فرهنگی متفاوت (مک‌گلدریک و همکاران، ۲۰۰۵) و دوران تاریخی (الدر و جانسون،^۴ ۲۰۰۲)، به طور قابل ملاحظه‌ای متفاوت است. مک‌گلدریک معتقد است تعاریف کنونی مراحل چرخه زندگی، درواقع یک چهارچوب موقت و وابسته به زمان و مکان هستند و تعیین اینکه کدام الگوها مربوط به خانواده «عادی» هستند، بسیار دشوار است. وی مراحل را تقسیم‌بندی‌های نسبتاً اختیاری و متأثر از نژاد، قومیت، جنسیت، هویت جنسی، وضعیت اجتماعی- اقتصادی و وضعیت سلامت می‌داند (مک‌گلدریک،^۵ ۲۰۱۱). در

1. Aldous, J.
2. McGoldrick, M.
3. MultiContextual
4. Elder Jr, G. H., & Johnson, M. K.
5. McGoldrick, M.

ادامه، رویکردهای داینامیک و پس از آن، مقایسه رویکرد کلاسیک و داینامیک بیان می‌شود.



تصویر ۲. چهارچوب بررسی چندزمینه‌ای (برگرفته از مک‌گلدریک و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۸)

۴-۲. رویکردهای داینامیک

پس از طرح انتقادات متعدد به نظریه تحول خانواده در انتهای سال اولیه شکل‌گیری، کارهای مکتب روانکاوی رادیکال در انتقاد از نظریه سنتی خانواده و طرح این موضوع که شاید خانواده از لحاظ روانی بهترین مکان برای پرورش کودکان نباشد (برناردز، ۱۳۹۸، ص ۸۷) و نیز پدید آمدن دگرگونی‌هایی در ساختار خانواده، به‌ویژه در غرب و آمریکا، سبب شد زاویه نگاه به مسائل در چهل سال دوم، چرخش قابل توجهی داشته باشد. در ادامه، به معرفی نظریه گذار، مدل سیستمی و مدل چندبعدی می‌پردازیم که در پاسخ به اشکالات مطرح شده شکل گرفتند.

۴-۲-۱. نظریه گذار^۲

راجرز، یکی از منتقدین جدی رویکرد کلاسیک بود که با مفهوم‌سازی مجدد مبتنی بر یک فرمول‌بندی نظری غیرغایت‌شناختی^۳، تصادفی^۴ و پویا، به تحلیل چندسطحی تحول خانواده پرداخت. به اعتقاد راجرز و وایت، حداقل چهار سطح تحلیل مربوط به تحول خانواده وجود دارد:

1. Bernardes, J.
2. Transition
3. Nonteleological
4. Stochastic

سطح فردی، روابط خانوادگی، گروه خانواده^۱ و نهاد خانواده^۲. آنها هنجارها را بلوک‌های ساختاری اساسی خانواده عنوان کردند و دو دسته هنجارهای ایستا و فرایندی را برای تحلیل مراحل و انتقال‌ها در نظر گرفتند (راجرز و وایت، ۱۹۹۳).

وایت (۱۹۹۱) مفاهیم نظریه تحول خانواده را از استعاره تحول مرحله‌ای که توسط هیل و دووال ارائه شده بود دور کرد و تصمیم گرفت تا نظریه را بر اساس رویدادها و انتقال بین مراحل، بازبینی کند. در این فرایند، او مفهوم تحول خانواده را بازتعریف کرد: «تحول خانواده، فرایندی است که در آن خانواده‌ها از مرحله‌ای به مرحله دیگر حرکت می‌کند و احتمال انتقال از مرحله (i) به مرحله دیگر (j) به مدت زمان مرحله قبلی (i) بستگی دارد» (همان، ص ۵۵). راجرز و وایت (۱۹۹۳) نقص اصلی در نسخه قبلی نظریه را رابطه خطرناک با مفاهیمی مانند «جبرگرایی انتوژنتیک»^۳ می‌دانستند (همان، ص ۲۴۲). برخلاف جهت هستی‌شناختی هیل و متسیچ، راجرز و وایت بر احتمال انتقال خانواده به جای توالی مراحل ازپیش تعیین شده تأکید کردند. آنها این کار را با استفاده از یک مدل مارکوف^۴ و مدل نیمه مارکوف انجام دادند.



تصویر ۳. نمونه‌ای از یک زنجیره مارکوف.^۵ دوایر می‌توانند نشان‌دهنده حالت‌های مختلف زندگی خانوادگی باشند.

1. The family group
2. The institution of the family
3. Ontogenetic Determination
4. Markov
5. Markov chain

فرض اصلی وایت برای نظریه گذار، اتخاذ دیدگاه تحول خانواده، ادغام دیدگاه دوره زندگی^۱ (کلاین و وایت، ۲۰۰۲)، اضافه کردن بدنه تحقیقات و پیشرفت روش شناختی در مورد انتقال، و ترکیب سطوح مختلف تحلیل بود.

همچنین نظریه گذار، نقش ها و روابط را به سطوح تحلیل گره می زند و مفاهیم زمان،^۲ توالی^۳ و پویایی^۴ را مورد توجه قرار می دهد. در این دیدگاه، واحد اولیه تجزیه و تحلیل (خانواده)، واحدهای فرعی (مثلاً روابط و افراد) را دربرمی گیرد. تمام فرایندهای درون این واحدها، از نظر تئوری، درون زا^۵ در نظر گرفته می شوند (وایت و تیچمن، ۲۰۰۵). سطوح بالاتر تجزیه و تحلیل ممکن است شامل تمام اقدامات و فرایندهای سطح پایین تر قبلی نیز بشوند، اما هر سطح بالاتر، معیارها و فرایندهای منحصربه فرد خود را نیز معرفی می کند. هنجارهای درونی خانواده، ساختار گروهی، ظرفیت و توانایی های متغیر، همگی نیروهای علی درون زای تحول هستند. از سوی دیگر، نیروهای علی برون زا،^۶ نیروهای خارج از خانواده، شامل جامعه، سیاست، تاریخ و هنجارهای اجتماعی هستند.

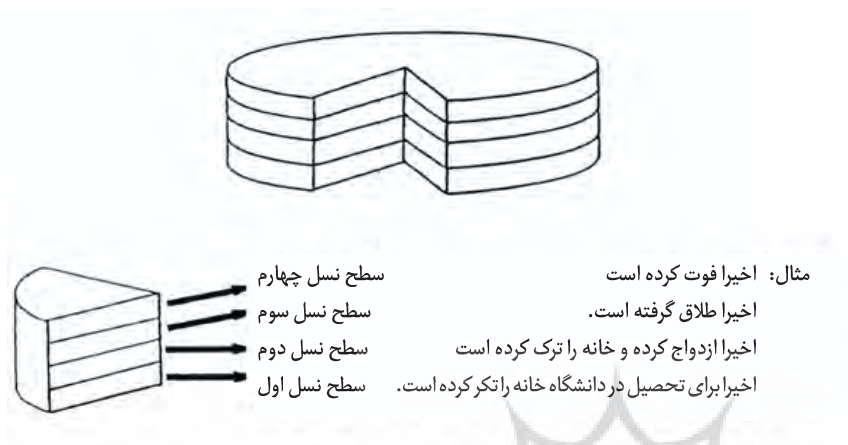
۲-۲-۴. مدل سیستماتیک

با وام گرفتن از تئوری سیستم ها، مدل سیستمی تحول خانواده^۸ (SFD) دیدگاهی فرایندمحور از خانواده و تحول خانواده را در نظر می گیرد. براین اساس، در مدل سیستماتیک، مراحل استفاده نشدن؛ بلکه به جای آن، تأکید بر چگونگی تحول خانواده ها به عنوان سیستم در طول زمان است. او از نظریه سیستم ها و از ادبیات استرس خانواده الهام گرفت تا نشان دهد که سیستم پیچیده خانواده، چند نسل گذشته را نیز شامل می شود (از دست دادن و به دست آوردن اعضا و نسل های خانواده در طول زمان) و استرسورها به طور ذاتی برای گذرهای خانواده وجود دارند. این استرس های تحولی، نشان دهنده چگونگی تغییر نقش ها و تحول خانواده در طول زمان هستند. فرایند تحول مشترکی که همه خانواده ها تجربه می کنند، شامل ظهور یک عامل

1. Life course
2. Time
3. Sequencing
4. Dynamics
5. Endogenous
6. White, J. M., & Teachman, J. D.
7. Exogenous
8. Systematic Family Development Theory

استرس‌زا^۱ و فرایند تغییر و انطباق است (لاسوفی، ۲۰۰۲).

لاسوفی برای تبیین طبیعت چندنسلی خانواده، از استعاره کیک بهره می‌برد. به اعتقاد او، کیک چیزی بیش از اجزای منحصربه‌فرد آن است و موجودیت منحصربه‌فرد دارد که قابل تقلیل به هیچ‌یک از اجزای آن نیست.



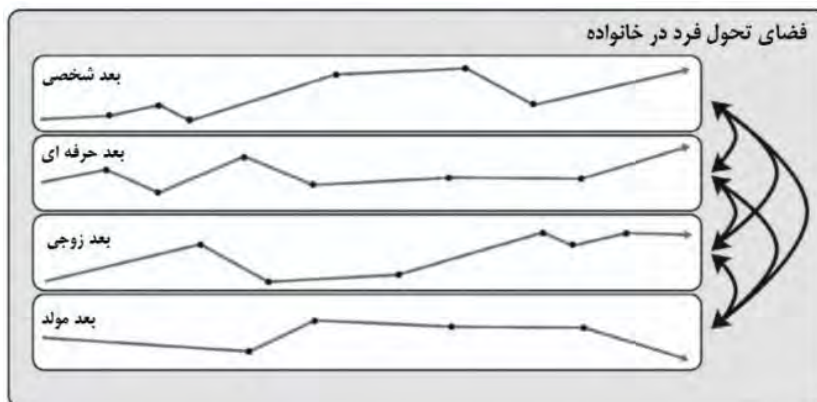
تصویر ۴. مدل سیستماتیک (برگرفته از لاسوفی، ۲۰۰۲)

۳-۲-۴. مدل چندبعدی

تحول در این مدل به عنوان پذیرش و ترک نقش‌ها در ابعاد، برای برآورده کردن نیازهای مهمی تعریف می‌شود که توسط تلاقی زمینه و آنتوژنی^۲ ایجاد شده‌اند. فضای تحول، به عنوان مفهومی که برای تصویر تحول خانواده معرفی شده است، به یک فضای انتزاعی اشاره دارد که در آن، احتمال تجربه یک سری از رویدادهای تحولی^۳ زندگی خانوادگی وجود دارد. براین اساس، تحول خانواده، یک سوپیه^۴ نیست؛ بلکه درون فضای تحول، حداقل چهار بعد اساسی تحولی وجود دارد: شخصی، حرفه‌ای، زوجی و مولد.^۵ ماهیت این ابعاد، از خطوط اصلی تحول که در مدل دووال مطرح شده است، مشتق شده‌اند (کراپو و برادفورد، ۲۰۲۱).

۱. پدیده‌ای است که بر سیستم خانواده نیرو وارد می‌کند و در نتیجه، آن را برای تغییر و سازگاری تحت فشار قرار می‌دهد.
۲. آنتوژنی: تکامل فردی در یک‌گونه.

3. Developmental event
4. Unilateral
5. Generative
6. Scott Crapo, J., & Bradford, K.



تصویر ۵. فضای تحولی یکی از اعضای خانواده (برگرفته از مقاله کراپو و برادفورد، ۲۰۲۱)

در رویکرد چندبعدی وظایف تحول خانواده، تعادل برقرار کردن بین نیازهای توسعه‌ای هر بُعد از هر عضو خانواده تعریف می‌شود. مراحل را تعامل پویای نقش‌ها که از ابعاد توسعه نشئت می‌گیرد و درنهایت، نقش‌ها را به عنوان تخصیص مسئولیت‌ها برای تأمین نیازهای خود و دیگران تعریف می‌کند.

۴-۳. مقایسه رویکردهای کلاسیک و داینامیک

رویکردهای کلاسیک و داینامیک، در ارائه تعاریف به شکل متفاوتی گام برداشته‌اند. همچنین روش آنها برای ساخت نظریه و ارائه گزاره‌های مربوط به آن یکی نیست. این تعاریف و روش‌های مختلف، کاربردهای گوناگونی را رقم می‌زنند. در ادامه، با جزئیات بیشتری به این تمایزات پرداخته می‌شود.

الف) ارائه تعاریف متفاوت از مفاهیم: تعاریف متفاوتی از خانواده، مفهوم تحول، نقش و مرحله در هریک از رویکردهای کلاسیک و داینامیک به چشم می‌خورد که در جدول شماره ۱ به آن اشاره شده است.

ب) تفاوت در روش: در هنگام ظهور مرحله جدید شکل‌گیری نظریه، با افزایش چشمگیر قدرت محاسباتی و پیشرفت‌های آماری، مانند مدل‌سازی خطی سلسله‌مراتبی و تجزیه و تحلیل توالی، زمان محاسبات کاهش پیدا کردند. پس از آن مزایای تحلیل تطبیق بهینه^۱ برای بررسی

1. Optimal Matching Analysis (OMA)

الگوهای زمان بندی و همچنین فراوانی رویدادها و نیز مجموعه داده های طولی بزرگ و با کیفیت بالا در دسترس قرار گرفتند (مارتین، ۲۰۱۵).

ج) تفاوت در کاربرد: رویکردهای کلاسیک به طور خاص، برای خانواده هسته ای کاربرد دارند و در موارد خاص، برای خانواده های طلاق گرفته و تک والد، اما رویکردهای جدید، فرافرهنگی و فراساختاری محسوب می شوند.

جدول شماره ۱. مقایسه رویکردهای کلاسیک و داینامیک (برگرفته از مقاله مارتین و وایت، ۲۰۲۲، ص ۱۸۵)

مفهوم کلیدی	قبل از انقلاب مفهومی	بعد از انقلاب مفهومی
خانواده	هسته ای که در یک زمینه اجتماعی - تاریخی قرار دارد.	واحدی که بین نسلی و دارای روابط خویشاوندی ^۱ و قرابت ^۲ است.
تحول	مشابه با مراحل تحول کودک	فرایندی که وابسته به مرحله و مدت است.
مرحله	اندازه گیری با سن اولین فرزند	اندازه گیری شده بر اساس رابطه ^۳
پیشنهادهای	نقد علمی مراحل چرخه زندگی خانواده	شرح گزاره هایی که سطوح متعدد و همچنین سطوح متقابل تحلیل را در نظر می گیرند
روش شناسی	هدایت اکتشافی و تشابهات تحولی	پوزیتیویستی، استفاده از مدل های ریاضی چندسطحی، تاریخچه رویداد ^۴ و تجزیه و تحلیل توالی ^۵
کاربردها	مناسب برای خانواده های طبقه متوسط سفید اواسط قرن بیستم	حساس به شرایط اجتماعی - تاریخی و فرهنگی و قابل اجرا در خانواده های مختلف

بحث و بررسی

انتقادات متعددی به هر دو رویکرد کلاسیک و داینامیک وارد شده است که در ادامه، در ذیل دو دسته روبرنایی و زیربنایی به طور اجمالی به آن پرداخته می شود. برخی از انتقادات، از سوی پژوهشگران حوزه تحول خانواده مطرح گردیده و برخی دیگر توسط نویسندگان مقاله افزوده شده است.

1. Consanguinity
2. Affinity
3. Relation
4. Event history
5. Sequence analysis

۱-۳-۴. بررسی انتقادی اختصاصی رویکرد کلاسیک در سطح روبنایی

این انتقادات، در لایه رویین نظریه مشاهده می‌شود و شامل هفت انتقاد شبهه جهان‌شمولی، تمرکز بر تک‌نسل، کم‌توجهی به تنوع ساختاری، پراکندگی و ناهمگرایی، سردرگمی در سطوح تحلیل، مشکلات روش‌شناختی و تصور وجود رابطه علی بین انجام تکالیف و گذر از مراحل می‌شود.

الف) شبهه جهان‌شمولی: اگرچه مدل‌های مطرح شده در رویکرد کلاسیک، برخی تغییرات بین خانواده‌ها را توضیح می‌دهند، اما تعریف تعداد خاص، انواع و زمان‌بندی مراحل توسعه، در نهایت فرضیه جهانی بودن را تداوم می‌بخشد. اما از آنجاکه تمام سیستم‌های طبقه‌بندی مرحله‌ای، در توضیح واقعیت‌های تنوع خانواده‌ها محدود هستند (آلدوس، ۱۹۹۰) و با عنایت به اینکه زمان‌بندی، وظایف، آیین‌های انتقال، مکانیسم‌های مقابله، و حتی معنای مرتبط با مراحل، از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است (فالیکوف، ۱۹۸۸^۱، ص ۳۵)، می‌توان گفت اصل جهان‌شمولی قابل تردید است.

ب) تمرکز بر تک‌نسل: در نظریه تحول خانواده، بیشتر مدل‌های تحول خانواده، بر محوریت افراد تأکید دارند. برچسب‌هایی که به مراحل مدل‌های اصلی تحول خانواده داده می‌شود، سوگیری آنها را نسبت به یک سطح تک‌نسلی نشان می‌دهد. اما نظر به اینکه خانواده‌ها، واحدهای پیچیده، تعاملی و چندنسلی هستند، تعیین انواع و زمان‌بندی مراحل، دشوار است (لاسوفی، ۲۰۰۲).

ج) کم‌توجهی به تنوع ساختاری: اگرچه در ابتدای شکل‌گیری نظریه، دانشمندان با بررسی مسیرهای طولانی مختلف، تا حدودی در مورد تنوع خانواده‌ها نظریه‌پردازی می‌کردند؛ برای مثال خانواده‌هایی که بدون ازدواج شکل گرفتند، خانواده‌هایی که بارداری قبل از ازدواج صورت گرفته است، خانواده‌های تک‌والد، و خانواده‌هایی با ازدواج مجدد (هیل، ۱۹۸۶)، اما با توجه به افزایش تنوع خانواده، عملاً این کار ناممکن شد (کونتز، ۲۰۱۵ و لاسوفی، ۲۰۰۲).

د) پراکندگی و ناهمگرایی: با وجود اینکه در نیمه دوم قرن بیستم پیش‌بینی می‌شد تئوری تحول خانواده به عنوان یک نظریه، دیدگاه‌های متعددی را متحد کند، اما داده‌ها، از تقسیم نظریه به جای تثبیت آن پشتیبانی می‌کند (مارتین، ۲۰۱۸). تحلیل‌هایی که در پایگاه‌های جهانی داده و مجلات صورت

1. Falicov, C. J.

گرفته، حاکی از رکود و پراکندگی پژوهش‌هایی با موضوع تحول خانواده در دو دهه اخیر است (تیلور و بگد،^۱ ۲۰۰۵). با فقدان اجماع در مورد مفاهیم عمده، مانند تحول و خانواده یا حتی تعداد مراحل تحول، نظریه‌پردازان رویکردهای متنوعی در پیش گرفتند (مارتین، ۲۰۱۸).

هـ) **سردرگمی در سطوح تحلیل:** اگرچه بیشتر تحقیقات، پاسخ خانواده را متفاوت با جمع پاسخ تک تک افراد نشان می‌دهند (پلتز^۲ و همکاران، ۲۰۱۸)، اما ضعف تئوری در اتصال سطوح تحلیل در خانواده به یکدیگر باعث شده است سردرگمی در درک و فهم فرایندهای تحول خانواده صورت بگیرد (مارتین، ۲۰۱۸).

و) **مشکلات روش‌شناختی:** یک نظریه پویا، نیاز به ثبت تغییرات در طول زمان دارد و استفاده از داده‌های طولی در آن ضروری است. چالش‌های تحلیل داده‌ها در مقطع زمانی اول، شامل دو مسئله پیچیدگی داده‌ها و محدودیت تکنیک‌های آماری بود (راجرز، ۱۹۷۳، ص ۲۵۵). همچنین مشکلات روش‌شناختی در اتصال سطوح تحلیل به یکدیگر نیز از دیگر مسائل رویکرد کلاسیک محسوب می‌شد (مارتین و وایت، ۲۰۲۲، ص ۱۸۳).

ز) **تصور وجود رابطه علی بین انجام تکالیف و گذر از مراحل:** تصور وجود مفروضات قطعی، نظریه‌پردازان اولیه را به این دیدگاه اشتباه سوق داد که اگر شرایط و وظایف خاصی در مرحله‌ای برآورده شود، خانواده با موفقیت به مرحله «هنجاری»^۳ بعدی می‌رود. این ادعا، دوگانه‌ای را ایجاد کرد مبنی بر اینکه مراحل و تکالیف تحولی، اثربخشی علی دارند (راجرز و وایت، ۱۹۹۳)؛ درحالی‌که پژوهش‌های تجربی مرتبط، همبستگی‌های نسبتاً کم و غیرقابل توجهی را نشان داده است (متسیچ و هیل، ۱۹۸۷، ص ۴۵۵).

۲-۳-۴. بررسی انتقادی اختصاصی رویکرد داینامیک در سطح روبنایی

رویکرد داینامیک که در سال‌های انتهایی قرن بیستم آغاز شده و پس از مدتی سکوت آکادمیک، در حال حاضر حیات تازه پیدا کرده، با انتقاداتی مواجه است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

الف) **کارکردزدایی:** رهیافت اصلی در تحلیل زندگی خانوادگی در رویکرد کلاسیک، کارکردباوری بوده است. در مقطع زمانی اول، بر چهار کارکرد اصلی خانواده، شامل کارکرد جنسی، اقتصادی،

1. Taylor, A. C., & Bagd, A.
2. Peltz, J.
3. Normative

آموزشی و تولید مثلی تأکید می‌شد. اما پس از آن، با ظهور نگاه‌های پست مدرنی، با حذف مفهوم خانواده هسته‌ای، کارکرد باوری دیگر نمی‌توانست جذابیت چندانی برای محققان داشته باشد (برناردز، ۱۳۹۸، ص ۷۶). در حال حاضر، کارکردگرایی ساختاری به دلیل استنادهای کلیشه‌ای جنسیتی و مفروضات غیرقانونی آن در مورد ساختارها و نقش‌هایی برای اعضای خانواده‌ها که «بهترین عملکرد» را دارند، از کار افتاده است (آدامسون و همکاران، ۲۰۲۲).

ب) ساختارزدایی: یک ضعف کلیدی نظریه، ناتوانی آن در برخورد با ساختارهای غیرهنجاری خانواده است. در رویکرد دینامیک، زندگی خانوادگی پست مدرن با نگاه برابری جنسیتی، خصلت جدلی، دوسویه و نامشخص جنسیت و ترتیبات خویشاوندی معاصر تعریف می‌شود (استیسی، ۱۹۹۸). همچنین اعتقاد به اینکه هیچ‌کدام از اشکال خانواده، به طور ضروری، شکل ایدئال زندگی انسان‌ها یا بزرگ کردن فرزندان را فراهم نمی‌کند (مک‌گلدریک و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۳) و نمی‌تواند به عنوان ساختار مطلوب معرفی شود، یکی از نشانه‌های ساختارزدایی در نظریات تحول کنونی است.

ج) جنسیت‌زدایی: در رابطه با موضوع تفاوت‌های جنسی طبیعی، گرایشی آشکار به انکار یا بی‌اهمیت جلوه دادن تفاوت‌های زن و مرد در نظریات جدید تحول خانواده مشاهده می‌شود (استوکس، ۱۹۸۴). اذعان به اینکه برابری و شراکت، ایده‌ای منطقی برای زوج‌هاست (سایر، بیانکی و رابینسون، ۲۰۰۴؛ به نقل از مک‌گلدریک و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۱۲)، بیان ویژگی سیالیت، احتمالی بودن برای پیچیدگی جنسیتی و فرایندی که در بافت خانواده شکل می‌گیرد، از شواهد بی‌توجهی به تفاوت‌های جنسیتی در خانواده و نیز نظریه تحول خانواده است (مک‌گوایر، ۲۰۱۶).

د) ارزش‌زدایی: غالب رویکردهای کنونی در نوع نگاه خود به روابط همجنس‌خواهانه، هم‌خانگی بدون ازدواج و زنان ازدواج‌نکرده صاحب فرزند، خنثی بودن را اصل می‌دانند (برای نمونه: مارتین، ۲۰۱۵؛ کراپو و برادفورد، ۲۰۲۱)، مفاهیمی مانند خانواده موفق را نامناسب قلمداد می‌نمایند و با طرح‌ریزی مراحل پیشنهادی که در آن، خانواده هسته‌ای اهمیت ویژه‌ای دارد مخالفت می‌کنند. محققان این حوزه، عامدانه باهدف حذف چالش‌های ناشی از پیامدهای اخلاقی برخی ساختارهای خانواده که در رویکردهای کلاسیک ترجیح داده می‌شد، در تلاش‌اند تا نظریات خود را بر یک بنای فارغ از هنجار اخلاقی بنا کنند (مارتین و وایت، ۲۰۲۲، ص ۱۸۹-۱۹۰ و مک‌گلدریک و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۴) و حتی

1. Stacey, J.
2. Stokes

فراتر روند و معیارهای تنوع و راه‌هایی را برای ترکیب جدید ساختارهای خانواده پیشنهاد می‌کند (برای نمونه، رک: وایت و همکاران، ۲۰۱۶).

۳-۳-۴. بررسی انتقادی اشتراکی نظریه تحول خانواده در سطح زیربنایی

این دسته اشکالات، مربوط به ریشه‌های مبنایی نظریه می‌شود که به حوزه معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی، هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی تقسیم می‌شود. اگرچه ممکن است ظواهر نظریات، دلالت تطابقی به این مبانی نداشته باشد (البته در برخی موارد تصریح وجود دارد)، اما دلالت التزامی آن را می‌توان یافت.

الف) معرفت‌شناختی: نظریه تحول خانواده با تأکید افراطی خود بر استفاده از روش‌های تجربی و عدم استفاده صحیح از منابع مهم دیگری مانند وحی و عقل نمی‌تواند به فهم عمیق و دقیق از فرایند تحول خانواده دست پیدا کند. گرایش به حذف دین و دکنترین سکولاریسم در نظریات خانواده موجب شده است زنای با محارم، همجنس‌گرایی، روابط متکثر و غیررسمی و خانواده‌های کمونی، معتبر شمرده شوند و حداکثر با استفاده از روش‌های آزمایشی کمی یا پدیدارشناسی، به تحلیل تحول در این خانواده‌ها پرداخته شود (برای نمونه، رک: مارتین، ۲۰۱۵).

ب) انسان‌شناختی: انسان موردنظر در نظریات تحول خانواده، فردی آزاد و بی‌قید است و نگاه‌های اومانیستی و لیبرالیستی حاکم در فضای نظریه‌پردازان تحول که غالباً در غرب و آمریکا زیسته و اندیشیده‌اند، ریشه‌های محکمی در مدل‌ها و رویکردهای کلاسیک و داینامیک تحول خانواده دوانیده است. بی‌توجهی به عنصر فطرت به عنوان یکی از پایه‌ای‌ترین مفاهیم درگیر در نظریه خانواده و نادیده‌انگاری بعد معنوی انسان و به تبع خانواده، از اشکالات مهم زیربنایی در نظریه تحول خانواده است.

یک - بی‌توجهی به عنصر مهم فطرت در شناخت خانواده و تحول آن: در نگاه دینی، مفهوم خانواده و مفهوم فطرت، رابطه تنگاتنگی با یکدیگر برقرار می‌کنند. قرآن کریم در آیه ۲۱ سوره مبارکه روم، بر نقش فطرت در استحکام خانواده تأکید می‌کند (بستان، ۱۳۹۰، ص ۲۱۱). برحسب آیه شریفه، مهر و محبت میان زوجین، از جعل الهی نشئت می‌گیرد و لذا دلالت روشنی بر خاستگاه فطری خانواده دارد. همچنین علاقه به فرزندان، یکی از امیال فطری انسان است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۷۳) و

می‌توان در سیر تحول خانواده، تلاش برای فرزندآوری را مد نظر قرار داد؛ حال آنکه این میل فطری، نقشی در نظریات کنونی ندارد.

دو- تقلیل یا نادیده‌انگاری مهم‌ترین بعد انسانی (معنویت): انسان دارای دو بعد طبیعی و معنوی است (جان بزرگی، ۱۳۹۸، ص ۶۳). معنویت، بعد اصیل وجودی انسان است و لذا تحول معنوی انسان، نقش انکارنشده‌ای در تحول خانوادگی خواهد داشت. باین حال در نظریات تحولی موجود، تنها در مدل چندبعدی، اشاره‌ای کوتاه به بحث معنویت شده و در سایر نگاه‌ها مسکوت مانده است.

ج) هستی‌شناختی: شناخت حقیقت هستی ضمن در نظر گرفتن مبدأ و معاد آن، یکی از اصول مهم داشتن ادراک صحیح از عالم وجود است. این در حالی است که در نظریات تحول خانواده، جایگاهی برای خالق، تکویناً و تشریعاً فرض نشده است.

یک- حذف نقش پروردگار در جهت‌دهی به سیر تحولی خانواده، نقش‌ها و وظایف: در نظر نگرفتن اصل توحید در تحول خانواده و حذف مبدأآفرینش، شروع و آغاز خانواده را با مشکل مواجه می‌کند. به فراموشی سپردن اصل علت غایی برای آفرینش و ازجمله آن، نهاد مقدس خانواده، از دیگر معایب است؛ چراکه نگرش غایت‌شناختی، از سال‌ها پیش به سبب سیطره پوزیتیویسم بر محافل علمی، از صحنه خارج گردید؛ زیرا آن را فاقد معیار تجربه‌پذیری می‌دانستند (بستان، ۱۳۹۰، ص ۲۱۴). در سوی مقابل، در نگاه دینی، خداوند در مرکز الگوی خانواده قرار دارد (جان بزرگی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۱۱۰).

دو- غایت معیوب یا نادیده‌انگاری هدف متعالی برای خانواده: عدم تصور غایت معنوی و هدف متعالی برای خانواده سبب شده است مسیر تحولی خانواده سرانجامی در نظریات تحول خانواده نداشته باشد. به اعتراف راجرز، تصور اینکه بتوان برای تحول خانواده، بدون توسل به اصول مابعدالطبیعی، هدف نهایی فرض شود، دشوار است و استناد به چنین هدف متافیزیکی، با اصول علم ناسازگار خواهد بود (راجرز و وایت، ۱۹۹۳). در بهترین حالت، در چهارچوب نظریه‌های سیستمی، هدف تعادل فرض گرفته می‌شود و لذا شکوفایی و تقرب الهی جایی ندارد و تنها تلاش اعضای خانواده برای حفظ تعادل و پاسخ به نیازها تعریف می‌شود.

د) ارزش‌شناختی: مهم‌ترین ویژگی پست مدرنیته تأکید بر مفهوم نسبیت است که مطابق آن،

آرا و عقاید، نسبی و منبعث از دیدگاه است و هیچ استدلالی واجد مرجعیت نهایی نیست (کلین و وایت، ۱۹۹۶، ص ۲۵۳). نظریه تحول خانواده نیز از این نگاه مستثنی نبوده است و در موارد متعدد، به بی تفاوتی اخلاقی و حذف نگاه‌های ارزشی اشاره دارد.

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش با استفاده از روش فراترکیب، نظریات و مدل‌های تحول خانواده، معرفی و مقایسه گردیده و سپس در دو سطح روبنایی و زیربنایی، به تبیین انتقادات و ارزشیابی رویکردهای موجود پرداخته شده است. علاوه بر وجود مشکلات متعدد و اساسی در نظریات مطروحه، عدم تطابق آرا و نگاه‌های اندیشمندان غربی و آمریکایی حوزه خانواده با فرهنگ بومی و دینی حاکم بر ایران، ضرورت تدوین یک الگوی تحولی در خانواده بر اساس منابع اسلامی را دوچندان می‌نمایاند. شناخت صحیح از خانواده، کارکردها، وظایف، نقش‌ها و اهداف آن، اولین قدم در ساخت یک نظریه تحول خانواده دینی، معنوی و بومی است.

کنش اساسی هر خانواده، فراهم کردن فضای مناسب برای تحول و رشد شخصی و نوعی است. این تحول، مستلزم بودن در محیطی است که بتواند خود آسیب‌پذیر فرد را در برابر ناملایمات حفظ کند. خانواده در فرهنگ اسلامی، دو کارکرد مهم دارد: سکونت و آرامش، و دیگری تربیت نسل توحیدی (پسندیده، ۱۳۹۱، ص ۵۸). این دو کارکرد باید بتوانند در تحول خانواده، نقشی محوری ایفا کنند. در نگاه دینی، تشکیل خانواده اساساً زمینه تکامل معنوی را فراهم می‌کند و رابطه فرد با خدا، نقش محوری در خانواده دارد. بنابراین یکی از اهداف شناخت مراحل تحول، دستیابی به مسیری برای سوق دادن خانواده‌ها به سمت کمال مطلوب و رسیدن به قله‌های تعالی مد نظر خالق خانواده است. لذا برای اعمال افراد در خانواده نیز می‌توان مبدأ و معادی متصور شد و در سیر تحولی خانواده، عملکرد افراد را در چهارچوب عقل خداسو تنظیم کرد و با جستجوی الگوی خانواده مقدس و پاک (تحل: ۹۷) حرکت به سمت سلامت و غایت نهایی خانواده برنامه‌ریزی شود (جان‌بزرگی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۴۹). در این میان لازم است به تفاوت‌های جنسیتی و جایگاه حقیقی هریک از اعضای خانواده در سیر تحولی خانواده توجه لازم مبذول گردد و مرزهای روابط و وظایف زیرنظام‌ها بر اساس تعالیم دینی در مراحل مختلف تبیین گردد.

خانواده در دیدگاه چندبعدی معنوی، نظامی است که از سوی دو انسان غیرهمجنس، بالغ و عاقل با میثاقی محکم، معنوی و مقدس آغاز می‌شود و می‌تواند با تولد فرزند یا انتساب فرزندخواندگی گسترش یابد (همان، ص ۵۰). از نگاه اسلامی، مراحل تشکیل خانواده، پیش از ازدواج آغاز می‌گردد و شرط اساسی تحقق خانواده، بلوغ زوجین است. زن و مرد باید در ابعاد مختلف جسمانی و روان‌شناختی و معنوی به حدی از پختگی رسیده باشند تا بتوانند کنش سالمی در نظام جدید از خود بروز دهند (همان، ص ۵۱). همچنین مرحله بعدی در سیر تحول خانواده می‌تواند پیروی افراد از اصول عقلانی باشد؛ چراکه لازمه ادراک جامع، فعال بودن عقل خداسو و در نتیجه، تعامل عقلانی است (همان، ص ۶۲).

والدین در خانواده، سازمان‌دهنده ادراک فرد از خود، دنیا، مبدأ و معاد هستند. خانواده در دو حوزه اساسی مهار و پاسخ‌دهی، وظایفی به عهده دارد. در حوزه مهار، توانمندسازی اعضا در مهار رفتاری، عاطفی و شناختی، و در حوزه پاسخ‌دهی، واکنش به نیازهای عاطفی و طبیعی و نیز نیازهای معنوی اهمیت دارد. نتیجه این کنش‌وری، ایجاد تعادل و زمینه‌سازی تعالی برای افراد است (همان، ص ۸). تأمل و تدقیق در توانمندی‌ها و تحول نیازها در اعضای خانواده می‌تواند راه را برای کشف سیر تحول خانواده باز کند.

از سوی دیگر می‌توان با تمرکز بر تحلیل و شناخت دقیق نحوه صدور رفتار از افراد و بررسی فرایند تحول در هریک از عوامل ایجادکننده آن و چگونگی تأثیر آن بر رابطه و تعامل افراد در خانواده، مسیر درک تحول در خانواده و مراحل آن را تسهیل نمود. این منابع که شامل دو دسته درونی و بیرونی می‌شوند، عبارتند از: عقل فطری و عقل تجربی (همان، ص ۱۱). تغییر و تحولی که می‌تواند در عقل فطری و عقل تجربی پدید آید زمینه‌های تحول در خانواده را رقم می‌زند. کنش‌ها و واکنش‌های فرد در خانواده در مراحل تکاملی خود باید با محوریت عقل فطری و به تدریج، تحول عقل خداسو سازمان یابد.

به طور خلاصه می‌توان گفت با توجه به ایرادات نظریات تحول خانواده و اهمیت آن در درمان و حرکت به سمت سلامتی و کمال مطلوب لازم است برای تدوین الگوی تحول خانواده، گام‌های اساسی برداشت.

فهرست منابع

قرآن کریم

الف) فارسی

۱. برناردز، جان (۱۳۹۸ش)، درآمدی به مطالعات خانواده، ترجمه: حسین قاضیان، تهران: نشر نی.
۲. بستان، حسین (۱۳۹۰ش)، جامعه‌شناسی خانواده در منابع اسلامی، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳. پسندیده، عباس (۱۳۹۱ش)، رضایت زناشویی، قم: دارالحدیث.
۴. جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۹۸ش)، درمان چندبعدی معنوی، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. جان‌بزرگی، مسعود؛ پسندیده، عباس و آذربایجانی، مسعود (۱۴۰۲ش)، خانواده‌درمانگری معنوی خداسو، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴ش)، اخلاق در قرآن، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

ب) انگلیسی

1. Ahrons, C.R., & Rodgers, R.H. (1987). Divorced families: A multidisciplinary developmental view. WW Norton & Co.
2. Aldous, J. (1978). Family careers: Developmental change in families. New York, NY: Wiley.
3. Aldous, J. (1990). Family development and the life course: Two perspectives on family change. *Journal of Marriage and the Family*, 52, 571-583
4. Becker, H.P., & Hill, R. (1942). Marriage and the Family. Boston, MA.
5. Burr, W. R. (1973). Theory construction and the sociology of the family. New York, NY: Wiley.
6. Scott Crapo, J., & Bradford, K. (2021). Multidimensional family development theory: A reconceptualization of family development. *Journal of Family Theory & Review*, 13(2), 202-223.
7. Duvall, E.M. (1988). Family development's first forty years. *Family Relations*, 37(2), 127-134.
8. Duvall, E.M., & Hill, R. (1948). Report of the committee on the dynamics of family interaction. National Conference on Family Life, Washington, D.C.
9. Elder Jr, G. H., & Johnson, M. K. (2002). Perspectives on human development in context. In *Psychology at the Turn of the Millennium, Volume 2* (pp. 169-192). Psychology Press.
10. Elder, G. H. (1998). The life course as developmental theory. *Child Development*, 69(1), 1-12.
11. Falicov, C. J. (1988). Family sociology and family therapy contributions to the family development framework: A comparative analysis and thoughts on future trends. In C. J. Falicov (Ed.), *Family transitions: Continuity and change over the lifecycle* (pp. 3-54). New York: Guilford.
12. Glick, P. C. (1947). The family cycle. *American sociological review*, 12(2), 164-174.
13. Glick, P. C. (1977). Updating the life cycle of the family. *Journal of Marriage and the Family*, 5-13.
14. Hallowell, A., & Reynolds, E. (1942). Biological factors in family structure. Marriage, H., Becker, P., & Hill, R., D.C. Heath and Company.
15. Hill, R. (1951). Interdisciplinary workshop on marriage and family research. *Marriage and Family Living*, 13(1), 13-28.
16. Hill, R. (1986). Life cycle stages for types of single parent families: Of family development theory. *Family Relations*, 19-29.
17. Klein, D. M., & White, J. M. (1996). Family theories: An introduction. Sage Publications, Inc.

18. Laszloffy, T. A. (2002). Rethinking family development theory: Teaching with the systemic family development (SFD) model. *Family Relations*, 51(3), 206-214.
19. Martin, T. F. (2015). Advancing dynamic family theories: applying optimal matching analysis to family research. *Journal of Family Theory & Review*, 7(4), 482-497.
20. Martin, T. F. (2018). Family development theory 30 years later. *Journal of Family Theory & Review*, 10(1), 49-69.
21. Martin, T. F., & White, J. M. (2022). Family Development Theory. In *Sourcebook of Family Theories and Methodologies: A Dynamic Approach* (pp. 179-201). Cham: Springer International Publishing.
22. Mattessich, P., & Hill, R. (1987). Life cycle and family development. In *Handbook of marriage and the family* (pp. 437-469). Boston, MA: Springer US.
23. McGoldrick, M. (2005). Irish families. In M. McGoldrick, J. Giordano, & Garcia Preto (Eds.), *Ethnicity and family therapy* (3rd ed., pp. 544-566). New York: Guilford Press.
24. McGoldrick, M. (2011). *The genogram journey: Reconnecting with your family*. WW Norton & Co.
25. McGoldrick, M. (2014). *Expanded Family Life Cycle*. Pearson Education Limited.
26. Olson, D. H. (2000). Circumplex model of marital and family systems. *Journal of family therapy*, 22(2).
27. Olson, D. H. (2000). Circumplex model of marital and family systems. *Journal of Family Therapy*, 22(2), 144-167.
28. Peltz, J. S., Rogge, R.D., & Sturge-Apple, M. L. (2018). Transactions within the family: Coparenting mediates associations between parents' relationship satisfaction and the parent-child relationship. *Journal of Family Psychology*, 32(5), 553.
29. Rodgers, R. H. (1973). Family interaction and transaction: The developmental approach. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
30. Rodgers, R.H. (1962). Improvements in the construction and analysis of family life cycle categories: Department of Sociology. Western Michigan University.
31. Rodgers, R. H. (1973). Family interaction and transaction: The developmental approach. (No Title).
32. Rodgers, R. H., & White, J. M. (1993). Family development theory. *Sourcebook of family theories and methods: A contextual approach*, 225-257.
33. Scott Crapo, J., & Bradford, K. (2021). Multidimensional family development theory: A reconceptualization of family development. *Journal of Family Theory & Review*, 13(2), 202-223.
34. Soares, C. B., Hoga, L. A. K., Peduzzi, M., Sangaleti, C., Yonekura, T., & Silva, D. R. A. D. (2014). Integrative review: concepts and methods used in nursing. *Revista da Escola de Enfermagem da USP*, 48, 335-345.
35. Stacey, J. (1998). *Brave new families: Stories of domestic upheaval in late-twentieth-century America*. Univ of California Press.
36. Taylor, A. C., & Bagd, A. (Eds.). (2005). The lack of explicit theory in family research. Thousand Oaks, CA: Sage.
37. Waller, W., & Hill, R. (1951). The family: A dynamic interpretation.
38. White, J. M. (1991). Dynamics of family development: A theoretical perspective. New York, NY: Guilford.
39. White, J. M. (2013). The current status of theorizing about families. *Handbook of marriage and the family*, 11-37.
40. White, J.M., & Teachman, J.D. (2005). Discussion and extension: A comment on the use of multilevel methods in family research. In V.L. Bengtson, A.C. Acock, K.R. Allen, P. Dilworth-

- Anderson, & D.M. Klein (Eds.) , Sourcebook of family theory and research (pp.307-314). Sage.
41. White, J.M., Martin, T.F., & Sayer, E. (2016). Family structures and measurements for studying families: A project. Paper presented at the Theory Construction and Research Methodology Workshop: Families and Human Rights: Promise and Vulnerability in the 21st Century, Minneapolis.
42. Zimmerman, C.C. (2014). Family and civilization. Open Road Media.

